



---

# جزوه نگارش علمی

---

معاونت پژوهش



تهیه و تنظیم: اداره پژوهش های طلاب  
آبان ۱۳۹۷

فهرست مطالب

۲	..... نکته ها و تجربه های نویسندگی
۳	..... طرح بحث نویسندگی
۳	..... انواع بیان
۴	..... انواع نوشتن
۶	..... ابعاد نوشته
۹	..... عوامل گیرایی پیام
۹	..... ۱. درست بودن
۹	..... ۲. نو بودن
۱۰	..... ۳. منطقی بودن
۱۰	..... ۴. کاربردی بودن
۱۰	..... عوامل شیوایی بیان
۱۰	..... ۱. درست بودن
۱۵	..... ۲. ساده بودن
۱۷	..... ۳. گویا بودن
۱۸	..... ۴. کوتاه نویسی
۱۹	..... جمع بندی

گر بریزی بحر را در کوزه‌ای

چند گنجد قسمت یک روزه‌ای\*

## نکته‌ها و تجربه‌های نویسندگی

نویسنده باید نگاهی متفاوت، عمیق و دقیق داشته باشد؛ به قول سهراب سپهری «چشم‌ها را باید شست جور دیگر باید دید.»

اگر بتوان در نویسندگی، سخنرانی، تدریس و ... جور دیگر دید نویسنده، سخنران و استاد موفق‌تر خواهیم بود.

مثال: «بِسْمِ رَبِّ الزَّهْرَاءِ»

• کلمه «إِسْم» در «بِسْمِ»

در علم صرف فراگرفتیم که کلمه (اسم) جزو کلماتی است که همزه آن نوشته می‌شود، اما خوانده نمی‌شود. مانند برخی از کلمات فارسی (خورشید، خواهر و...) تنها یک مورد استثناء شده است که همزه «اسم» هم در خواندن و هم در نوشتن حذف می‌شود و آن در صورتی است که بعد از کلمه «اسم»، لفظ جلاله «الله» باشد. اگر پس از آن، لفظ رب، خالق و ... بیاید همزه حذف نمی‌شود در این صورت «بِسْمِ رَبِّ الزَّهْرَاءِ» صحیح است.

هر دو درست ولی دومی زیباتر است و در آن صنعت سجع به کار رفته است به گونه‌ای که کلمه «زهرا» و «علیها» هر دو به «آ» ختم می‌شوند.

• علیها السلام  
سلام الله علیها

\* به مقدار فرصت اختصاص داده شده به بحث نگارش علمی پرداخته خواهد شد. دوره کامل آن در سه سطح عمومی، عالی و تخصصی قابل طرح است.

۱. الف و لام عهد ذهنی است.

## طرح بحث نویسنده

تعریف نویسنده و نویسنده‌گی

ارزش و اهمیت نویسنده‌گی

آثار و فواید نویسنده‌گی

مقدمات نویسنده‌گی

لوازم نویسنده‌گی

راه‌های نویسنده شدن

مراحل نویسنده‌گی

قالب‌های نویسنده‌گی

ویژگی‌های نوشته خوب

ارکان نویسنده‌گی

## انواع بیان

۱. بیان شفاهی
۲. بیان کتبی
۳. بیان اشاره‌ای: مانند بیان ناشنوایان<sup>۱</sup>
۴. بیان تصویری: مانند تابلوی راهنمایی و رانندگی، تابلوی روز عاشورای استاد فرشچیان

---

۱. در بیان اشاره‌ای باید جان وجود داشته باشد؛ ولی در بیان تصویری جان وجود ندارد.

## انواع نوشتن

### ۱. نوشتن عام

عبارت است از بیان کتبی آنچه درون آدمی است به زبان عادی که دانسته‌ها، خواسته‌ها، اندیشه‌ها، عواطف، احساسات، تخیلات و مانند آن را در بر می‌گیرد و هدف از آن پیام‌رسانی است. به این گونه نوشتن، نگارش می‌گویند و به کسی که این کار را انجام می‌دهد، نگارنده می‌گویند.

### ۲. نوشتن خاص

عبارت است از بیان کتبی آنچه درون آدمی است به زبان هنری و هدف از آن زیبایی‌آفرینی است. به این گونه نوشتن نویسندگی می‌گویند و به کسی که این کار را انجام می‌دهد نویسنده می‌گویند.

همان‌گونه که ذکر شد، برای نوشتن به معنای عام و نیز خاص دو نکته مطرح است: در نوشتن عام، زبان عادی و هدف پیام‌رسانی است. در نوشتن خاص، زبان هنری و هدف زیبایی‌آفرینی است.

مثال برای نوشتن عام: خورشید طلوع کرده بود که من از خواب برخوایم.

مثال برای نوشتن خاص: گل خورشید شکفته بود که من با خواب خداحافظی کردم.

شایان ذکر است نقش اولیه زبان انتقال پیام به منظور رفع نیازها بوده و به تدریج نقش ثانویه پیدا کرده است که علاوه بر پیام‌رسانی، زیبایی‌آفرینی هم داشته باشد.

بنابراین در نگارش به هیچ وجه نیازی به ذوق و استعداد نیست؛ زیرا مجموعه‌ای از قواعد و ضوابط ادبی وجود دارد که بعد از یادگیری، به کار بسته می‌شوند، اما در نویسندگی اختلاف نظر وجود دارد.

دو مثال دیگر برای نگارش:

مثال ۱: لطفاً درب را ببندید. (نوشتن عام)

مثال ۲: صندوق پیشنهادات و انتقادات (نوشتن عام)

در دو مثال فوق، دو قاعده وجود دارد که در صورت یادگیری و به کار بستن آن می‌توان درست نوشت.

در مثال اول: واژه درب عربی و جمع آن دُرُوب است. درب در زبان عربی به معنای درهای بزرگ مانند درهای کاروانسراها است. در زبان عربی به درهای کوچک باب می‌گویند؛ لذا در فارسی باید گفت: «لطفاً در را ببندید».

**یادسپاری:** آیا به کار بردن واژه‌های غیر فارسی در زبان فارسی اشکال دارد؟

در زبان و نوشتار فارسی اصل بر این است که واژه‌های فارسی رایج و مأنوس به کار برده شود. اگر واژه‌ای از زبان بیگانه وارد زبان فارسی شود، در اولین قدم باید معادل‌سازی شود. معمولاً فرهنگستان زبان و ادب فارسی عهده‌دار این امر می‌باشد. اگر به هر دلیلی برای واژه بیگانه معادل‌سازی صورت نگرفت و واژه شیوع یافت، به کار بردن آن اشکال ندارد. نکته مهم این است که دستور زبان بیگانه وارد زبان فارسی نشود.

در زبان فارسی واژه‌هایی از زبان عربی وام گرفته شده (کتاب، قلم و ...) و متقابلاً در عربی نیز واژه‌هایی از فارسی وام گرفته شده است (برنامَج). گاهی فقط تلفظ تغییر یافته و گاه حذف و اضافه داشته است.

تلویزیون	تَلَوِیْزِن
رادیو	رَدِیو
مداوا	مُدَاوَاةٌ
مدارا	مُدَارَاةٌ

با توجه به اینکه اصل در به کارگیری واژه‌های فارسی رایج و مأنوس است؛ اگر واژه‌ای فارسی، مأنوس و رایج نبود استفاده نمی‌شود. مانند: واژه آزمنداک (رنگین کمان). آزمنداک فارسی سره (خالص و ناب) می‌باشد.<sup>۱</sup> با توجه به اینکه زبان برای تفاهم، فهمیدن و فهماندن است این واژه قابل فهم نیست، لذا معادل فارسی رایج آن یعنی رنگین کمان استفاده می‌شود.

مثال ۲: صندوق پیشنهادات و انتقادات

(ات) نشانه جمع در دستور زبان عربی است و نباید با کلمات فارسی به کار رود. «پیشنهاد» کلمه فارسی است و با علامت جمع فارسی (ها) به کار می‌رود. انتقاد (افتعال) واژه عربی است و با (ات) به کار می‌رود گرچه بهتر است واژه‌های عربی نیز با نشانه‌های جمع فارسی به کار برده شود.

۱. سره نویس‌ها معتقدند باید به طور کامل واژه‌های فارسی استعمال شود. به همین رو، معادل تلفن را دورگو گذاشتند.

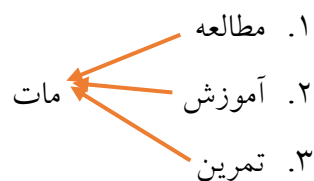
مثال:

هر دو غلط مشهور است. یا ابا صالح المهدی  
مضاف الیه عطف بیان یا صفت

یا ابا صالح المهدی  
یا ابا صالح المهدی

✓ یا ابا صالح المهدی ← یا ابا صالح المهدی<sup>۱</sup>

یادسپاری: مثلث طلایی موفقیت در هر فن و مهارت عبارتند از:



در نویسندگی به سه مورد نامبرده نیاز است.

در مقاله علمی، لازم است از قلم علمی استفاده شود تا قلم ادبی و هنری.

- حضرت امام خمینی (قدس سره) در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ در گذشت.
- حضرت امام خمینی مرغ روحش در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ به ملکوت اعلی پرواز کرد.

### انواع نوشتن از نظر نثر و زبان

۱. علمی
۲. ادبی
۳. عامیانه

### ابعاد نوشته

۱. درونی ← محتوا، پیام، معانی (Content)

۲. بیرون ← قالب، بیان، الفاظ (form)

۱. وقتی دو ساکن کنار هم قرار گیرد اولی را تبدیل به کسره می‌کنیم.

مثال ۱: گفتار و رفتار معرف شخصیت است.

سلمان هراتی با اقتباس از سعدی<sup>۱</sup> گفته است:

بهار آن است که خود ببوید نه آنکه تقویم بگوید.

این جمله هم دارای پیام و محتوا و هم دارای قالب و بیان است.

مثال ۲: اهمیت و ارزش شب قدر

اگر شب‌ها همه قدر بودی شب قدر بی قدر بودی<sup>۲</sup>

مثال ۳: آنچه زود برآید، دیر نیاید.

سعدی سه صنعت و آرایه ادبی به کار برده است:

۱. زود  $\neq$  دیر ← صنعت تضاد

۲. برآید ↔ نیاید ← صنعت سجع

۳. کوتاه‌نویسی

تعریف دیگری از نویسندگی:

نگارش پیامی گیرا با بیانی شیوا ← محتوا جذاب و الفاظ زیبا و شیوا باشد.

### عوامل گیرایی پیام

۱. درست بودن

۲. نو بودن

۳. منطقی بودن

۴. کاربردی بودن

۵. ....

۱. مشک آن است که خود ببوید. نه آنکه عطار بگوید.

۲. سعدی



## عوامل شیوایی بیان

۱. درست بودن
۲. ساده بودن
۳. گویا بودن
۴. کوتاه بودن
۵. ....

۱. چه باید نوشت؟ (محتواشناسی)
۲. چگونه باید نوشت؟ (روش‌شناسی)

دو سؤال مهم در نویسندگی ←

محتواشناسی

محتوایی که در مقاله علمی، کتاب علمی، بروشور علمی و ... ارائه می‌شود باید هم از جهت متنی و هم از جهت سندی صحیح باشد.

مثال ۱: خرمشهر را خدا آزاد کرد.

انتساب این جمله به حضرت امام غلط مشهور است و در واقع منسوب به شهید احمد کاظمی می‌باشد.

مثال ۲: انقلاب ما انفجار نور بود.

انتساب این جمله به حضرت امام غلط مشهور است و در واقع منسوب به یاسر عرفات می‌باشد.<sup>۱</sup>

مثال ۳: کلّ یوم عاشوراء و کلّ أرضٍ کربلاء<sup>۲</sup>

مثال ۴: قف دون رأیک فی الحیوه مجاهدا ان الحیوه عقیده و جهاد<sup>۳</sup>

شهید مطهری می‌فرمایند: این جمله منسوب به امام حسین نیست، بلکه منسوب به شاعر شیخ محسن ابوالحُبّ الحویزی است. علاوه بر مشکل سندی، از جهت محتوا نیز اشکال دارد چون عقیده به صورت نکره ذکر شده است؛ در صورتی که جهاد در راه هر عقیده‌ای درست نیست، بلکه جهاد در راه عقیده اسلامی درست است.

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۸۱.

۲. آقای ری شهری و همکارانشان در کتاب «شهادت نامه امام حسین» اشاره کرده‌اند که این بیت منسوب به شاعر عرب است.

۳. «توقف و پایداری کن در راه اندیشه و آرمانت در زندگی خودت و برای آن جهاد کن؛ زیرا زندگی چیزی نیست جز عقیده و جهاد در راه عقیده»

## عوامل گیرایی پیام

### ۱. درست بودن

مثال: حضور مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در پیاده‌روی اربعین نادرست است.

دلیل: به دلایل امنیتی و تراکم جمعیت و عدم تأمین حفاظت

### ۲. نو بودن

فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر سخن نو آر که نو را حلاوتیست دگر

لازم است در تدریس، سخنرانی، نویسندگی و ... از بیان مطالب کلیشه‌ای و تکراری پرهیز شود.<sup>۱</sup>

مثال ۱: آیه شریفه «من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها»

ترجمه ۱: «هر کس حسنه‌ای را انجام بدهد ده برابر به او می‌دهیم»

ترجمه ۲: آیت الله جوادی فرمودند: در آیه شریفه آمده است: «من جاء بالحسنه» نه «من عمل بالحسنه»

«هر کس حسنه‌ای را با خودش تا روز قیامت به همراه آورد (و با سیئه از بین نبرد)، ده برابر به او خواهیم داد.»

مثال ۲: آیت الله امینی ذیل حدیث «من كان عنده صبیّ فلیتصاب له؛ هر کس نزد او بچه‌ای باشد، باید کودکانه رفتار کند.»<sup>۲</sup> نکته‌ای را ذکر فرموده‌اند: در حدیث به جای «له»، «عنده» ذکر شده است به خاطر نکته لطیفی که در آن نهفته است.

له: هر کس کودکی برای او باشد. (ناظر به فرزند خود انسان است.)

عنده: هر بچه‌ای نزد شما باشد.

مثال ۳: استاد فاطمی‌نیا فرمودند: در حدیث آمده است که هر گاه حضرت زهرا (س) خدمت پیامبر مشرف می‌شدند، فقام الیها؛ یعنی پیامبر بلند می‌شدند و چند قدمی به استقبال حضرت زهرا (س) می‌رفتند.

---

۱. آیت الله جوادی آملی در درس خارج فقه فرمودند: «تا وقتی که ما فقط کلی گویی می‌کنیم، خیلی انتظار تاثیرگذاری نداشته باشیم.» پس در سخنرانی، تدریس، نگارش مقاله و ... برای قواعد کلی مثال ذکر نمایم. آقای دیل کارنگی در ۳ کتاب خویش (آیین سخنرانی، آیین زندگی، آیین دوست‌یابی) برای هر قاعده‌ای که برای سخنرانی ذکر کرده، ۵ مثال آورده است.

۲. «چون که با کودک سر و کارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد»

فقام لها: پیامبر بلند می شدند.

### ۳. منطقی بودن

کلام و نوشته ما باید با منطق اسلام، عقل و منطق علم مطابقت داشته باشد و آمیخته به خرافات نباشد. اسلام دین عقلانیت و منطق است. خداوند دو حجت ظاهری (پیامبران) و حجت باطنی (عقل) قرار داده است. در ۶۵ آیه قرآن نیز کلمه «بیّنات» ذکر شده که نشانگر اهمیت دلیل و استدلال است. دلیل عمده کثرت انتشار کتب شهید مطهری (ره)، منطق و استدلال نهفته در کتب وی می باشد.<sup>۱</sup>

### ۴. کاربردی بودن

هدف از تبلیغ، سخنرانی، نویسندگی و... این است که بتوان نیازی از مخاطب برطرف نمود؛ اعم از نیاز علمی، سیاسی، عقیدتی، فقهی، قرآنی و ...

مثال ۱: سؤال مسابقات احکام: نماز خواندن برپام کعبه چه حکمی دارد؟ این سؤال مورد ابتلاء و کاربردی نیست.

مثال ۲: سؤال احکام در تلویزیون: اگر کسی شصت پا نداشته باشد حکم سجده او چه می شود؟ دایره ابتلاء این سؤال محدود است.

## عوامل شیوایی بیان

۱. درست بودن<sup>۲</sup>

۲. ساده بودن

۳. گویا بودن

۴. کوتاه بودن

### ۱. درست بودن

درست بودن بر دو گونه است:

---

۱. شهید بهشتی (ره) خطاب به آقای قرائتی فرمودند: در تبلیغ دین کاری کنید که خرافات از میان مردم برداشته شود.  
۲ عامل درست بودن در گیرایی پیام مربوط به محتوا و پیام و معانی می شد؛ اما درست بودن در اینجا مربوط به الفاظ، بیان و قالب کار است.

الف) درست بودن کلمات (درست‌نویسی کلمات)

ب) درست بودن جملات (درست‌نویسی جملات)

### ❖ درست‌نویسی کلمات

۱. درست‌نویسی املائی:

کلمه‌ای که در یک نگارش علمی و غیر علمی به کار می‌رود، باید از جهت املا درست باشد.

مثال:

غلط	درست
ذغال	زغال
خوشنود	خشنود
علاقمند	علاقه‌مند

دانش + مند = دانشمند      کسی که دارای دانش است.

بهره + مند + بهره‌مند      کسی که دارای بهره است و بهره می‌برد.

علاقه + مند + علاقه‌مند      کسی که دارای علاقه است.

مند: پسوندی است که در پایان کلمات می‌آید و یکی از معانی پر کاربرد آن، معنای اتصاف و دارندگی است.

سپاسگذار ✓	سپاسگذار ×
بنیانگذار ✓	بنیانگزار ×
نمازگذار ×	نمازگزار ✓
خواب‌گزار ✓	خوابگذار ×
حج‌گذار ×	حج‌گزار ✓

**قاعده:** هر گاه کلمه به معنای انجام دادن، به جا آوردن، ادا کردن و مانند آن باشد، با (ز) و چنانچه به معنای

گذاشتن، وضع کردن، نهادن و مانند آن باشد، با (ذ) نوشته می‌شود.

سپاسگذار: کسی که سپاس را به جا می‌آورد و تشکر می‌کند.

بنیانگذار: به معنای گذاشتن، وضع کردن و بنا نهادن است.

نمازگزار: کسی که نماز را به جا می آورد.

حج گزار: کسی که حج را به جا می آورد.

خواب گزار: کسی که خواب را گزارش و تعبیر می کند. (معبر خواب)

قانونگزار: اجرا کردن قانون = قوه مجریه

قانونگذار: وضع کردن قانون = قوه مقننه

سیاستگذاری<sup>۱</sup> = قوه مقننه

سیاستگزاری = قوه مجریه

## ۲. درست نویسی معنایی

گاهی کلمه‌ای در معنای نادرست به کار برده می شود.

مثال: عنوان کتابی «جلوه‌های مقاومت و پایمردی در جنگ» است. در این عنوان، کلمه «پایمردی» در معنای نادرست به کار برده شده است. از قرینه «مقاومت» متوجه می شویم که کلمه بعد باید «پایداری» باشد. «مقاومت» همان عربی «پایداری» است. «پایمردی» در زبان فارسی به معنای «پایداری» نیست. «پایمردی» به معنای کمک کردن و یاری رساندن است.

من با کمک دوستم این کار را انجام دادم. ← من با پایمردی دوستم این کار را انجام دادم.

پس با توجه به قرینه «مقاومت»، کلمه «پایمردی» که به معنای کمک و یاری رسانی است، در معنای درست خود به کار نرفته است.

## ۳. درست نویسی تلفظی (اعرابی)

در زبان فارسی و عربی، بعضی کلمات در عین اینکه اعراب و حرکات مختلف می گیرند، معنایشان تغییر نمی کند و در برخی کلمات نیز با تغییر اعراب و حرکات، معنا نیز تغییر می کند.

مثال فارسی:

۱. اقتباس از عنوان کتاب «از سیاستگذاری تا سیاستگزاری»

- گواهینامه (ضمّه) / گواهینامه (فتحه) = در فارسی به هر دو صورت به کار می‌رود و در معنا نیز تغییر نمی‌کند.
- گمان (ضمّه) / گمان (فتحه) = در فارسی به هر دو صورت به کار می‌رود و در معنا نیز تغییر نمی‌کند.
- مَهر (مهریه) / مهر (ماه مهر، محبت، خورشید) / مَهر (مهر زدن) = این کلمه با تغییر اعراب و حرکات، معانی مختلف گرفته است.

مثال عربی:

- مجلس خُبرگان (ضمّه) / مجلس خِبرگان (کسره) = با وجود تغییر در حرکت، معنا یکسان است.
- عُنوان اصلی کلاس (ضمّه) / عِنوان اصلی کلاس (کسره) = با وجود تغییر در حرکت، معنا یکسان است.

- مفاتیح الجنان (فتحه) = قلب / تاریکی شب
- مفاتیح الجنان (ضمّه) = سپر الصوم جنّه من النار
- ✓ مفاتیح الجنان (کسره) = بهشت‌ها
- جنّت (بهشت)

- جمع سالم = جنّات تجری من تحتها الانهار
- جمع شکسته و غیر سالم = جنان (کسره)

نکته: آیا غلط مشهور بر صحیح نامشهور رجحان دارد؟

مثال:

تلفظ فارسی زبانان	کلمه عربی
شُجاعت (ضمه)	شَجَاعَت (فتحه)
رُكْعَت (ضمه)	رَكْعَت (فتحه)
سُجْدَه (ضمه)	سَجْدَه (فتحه)
شِکَل (کسره)	شَکَل (فتحه)
مُطالِعِه / مناظره / مکاشفه	مُطالَعَه (مفاعله)

#### ۴. درست‌نویسی دستوری

لازم است کلمه از نظر دستور زبان فارسی درست به کار رفته باشد.

مثال:

- پیشنهادات: این کلمه از نظر دستوری درست نیست؛ زیرا کلمه «پیشنهاد» فارسی است در حالی که (ات) علامت جمع در عربی می‌باشد. بنابراین «پیشنهادها» صحیح می‌باشد.

خوب نیست که ...

- خوبیت ندارد که ...

رهبری ایران می‌فرمایند....

- رهبریت ایران می‌فرمایند ....

یاء مشدد و تاء (یت) مخصوص کلمات عربی است که مصدر صناعی (جعلی) می‌سازد.

انسان + یت = انسانیت (انسان بودن)

مظلوم + یت = مظلومیت (مظلوم بودن)

- کلمه خوب و رهبر دو واژه فارسی هستند که با (یت) به کار نمی‌روند.

#### ۵. درست‌نویسی هویتی (اصیل بودن)

کلماتی که به کار برده می‌شود، لازم است از نظر هویت و اصالت درست باشند.

مثال:

- دو کلمه تیمسار و فرجاد (انسان فرهیخته و فاضل) در لغت اصیل فارسی وجود ندارد.

#### ❖ درست‌نویسی جملات

تیم آمریکا به تیم ایران باخت.

- تیم آمریکا از تیم ایران باخت.

فعل باختن در زبان فارسی با حرف اضافه (به) به کار می‌رود

- گالیله از سوی کلیسا مورد تکفیر قرار گرفت. ← گالیله از سوی کلیسا تکفیر شد.

گالیله کلیسا را تکفیر کرد.

در زبان فارسی زمانی که فاعل جمله مشخص باشد، لازم است فعل به صورت معلوم ذکر شود نه مجهول. در مثال مذکور نیز فاعل (کلیسا) مشخص است و نباید فعل مجهول باشد. (فاعل+مفعول+نشانه مفعول+فعل)

- یادسپاری: وقتی دو فعل یا دو مصدر با واو عطف به یکدیگر عطف شوند، باید توجه داشت که

حرف اضافه متناسب با هر دو به کار رفته است یا خیر؟

مثال: رفتن به تهران و برگشتن از آنجا ۴ ساعت طول می کشد.

## ۲. ساده بودن

نقش اولیه زبان، انتقال پیام خود به صورت صریح تر و بهتر به مخاطب می باشد. اگر پیام یا نوشته به گونه ای بیان شود که خوب به مخاطب منتقل نشود با هدف و نقش اولیه زبان معارضه شده است. شایان ذکر است، ساده نویسی به معنای سست نویسی و سطحی نویسی نیست که مطالب غیرمنطقی و سست به زبان ساده بیان شود؛ بلکه مطالب، دارای عمق و دارای آیه، روایت، استدلال، منطق و ... می باشد؛ اما به گونه ای بیان می شود که برای مخاطب قابل فهم باشد. نوشته ساده آن است که با یک بار خواندن فهمیده شود و عاری از کلمات پیچیده یا جملات پیچیده باشد.

- سعدی:

برخیز تا طریق تکلف رها کنیم      دکان معرفت به دو جو پر بها کنیم.

راه تکلف و پیچیده گویی را باید رها کرد. دکان معرفت را می شود با دو تا جوی ساده نیز پر ارزش کرد یعنی می توان مطالب عمیق را با زبان ساده بیان کرد.

- مولوی:

من به سوی باغ و گلشن می روم      تو نمی آیی میا من می روم.

وجود معاد و قیامت را به عبارت ساده ذکر کرده است.

- مریم سقلاطونی:



شنیده‌ام که قرار است جمعه برگردی کدام جمعه؟ نمی‌شد اشاره می‌کردی؟  
 نکته: زبان ساده نسبی است بدین معنا که ممکن است جمله‌ای برای مخاطب کودک و نوجوان سنگین باشد و همان برای بزرگسالان ساده باشد.

مثال ۱: قرآن کتابی خوانا و ماناست. کلمه «مانا» به معنای جاودانه و ماندنی برای بزرگسالان قابل فهم است نه کودکان.

مثال ۲: کتاب فن سخنوری مرحوم فلسفی:

➤ ای مردم مبطلات صوم نه چیز است که باید از آنها کفّ نفس کرد.



➤ ای مردم باطل کننده‌های روزه نه چیز است که باید از آنها خودداری کرد.

موارد پیچیده‌نویسی:

۱. استفاده از کلمات نامفهوم

او پاسخ مرا با تَهْکَم داد. واژه «تَهْکَم» معادل عربی آن «تمسخر» است که معادل آسان‌تری است.

۲. نگذاشتن نشانه‌های ویرایشی یا علائم سجاوندی

۱. امام، امت اسلام را زنده کرد.

۲. امام امت، اسلام را زنده کرد.

• امام امت اسلام را زنده کرد. ←

۱. بخشایش، لازم نیست اعدامش کنید.

۲. بخشایش لازم نیست، اعدامش کنید.

• بخشایش لازم نیست اعدامش کنید. ←

۳. نگذاشتن حرکات و اعراب‌ها

۱. پُرسه: مراسم عزاداری

۲. پَرسه: راه رفتن بی‌هوده

• پَرسه ما چهار ساعت طول کشید. ←

۴. فارسی‌نویسی افراطی

گفته شد که فارسی، رایج و مأنوس باشد، نه تا حدی که منجر به پیچیده‌نویسی گردد.

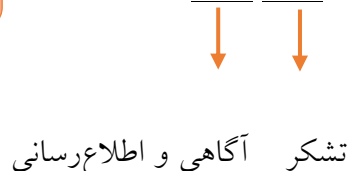
- این کتاب بازگشت‌نامه برای نگرمندان و رایمندان سودمند است.<sup>۱</sup>



۵. عربی‌نویسی افراطی

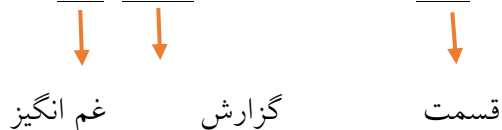
- بدین وسیله وصول چک ارسالی را با امتنان اشعار می‌دارد.

چک شما دریافت شد.  
سپاسگزارم.



۶. لاتین‌نویسی افراطی

- در آیتم بعدی برنامه به یک راپرت دارم نگاه کنید.



۷. زیبانویسی افراطی

در بحث زیبانویسی، نباید مفهوم فدای زیبایی شود به گونه‌ای که به دلیل زیبانویسی افراطی، مفهوم پیام منتقل نشود.

- آن هنگام که واژگان جمله به سان یک پازل جای خویشتن را گرفت در چارچوب جمله جنبش زندگی پدیدار می‌شود و نور مفهوم به انعکاس در می‌آید.



- هر گاه کلمات جمله در جای صحیح خود قرار گرفت معنای جمله به راحتی فهمیده می‌شود.

۳. گویا بودن

- فاطمه به خواهرش مرضیه گفت که مقاله‌اش چاپ شده است.  
تمام کلمات ساده است؛ اما جمله گویا نیست.

۱. این نویسنده سره نویس است و معتقد است باید واژه‌های خالص فارسی به کار ببرد.

- اگر مقاله فاطمه چاپ شده است. ← مقاله ام چاپ شده است.

- اگر مقاله مرضیه چاپ شده است. ← مقاله ات چاپ شده است.  
• دو برادر و خواهر حافظ کل قرآن شدند.

۱. دو برادر و یک خواهر
۲. دو برادر و دو خواهر
۳. یک برادر و یک خواهر

به سه صورت فهمیده می شود.

۱. درس بخوان، مثل پدرت بی سواد نباش.
۲. درس بخوان مثل پدرت، بی سواد نباش.

• برو درس بخوان مثل پدرت بی سواد نباش.

#### ۴. کوتاه نویسی

رابطه لفظ با معنا می تواند به سه صورت باشد.

۱. مساوات (برابری بودن الفاظ با معنا)
۲. ایجاز (یک معنا را با کمترین الفاظ بیان کردن)<sup>۱</sup>  
ایجاز تا حدی که مخّل در پیام رسانی نباشد.
۳. اطناب (یک معنا را با بیش از الفاظ مورد نیاز بیان کردن)  
اطناب تا حدی که مخاطب دچار ملال و خستگی نشود.<sup>۲</sup>

مثال: مستدعی است نسبت به خریداری کردن لوازمات مورد احتیاج اقدام لازم را مبذول فرمایید.

۱. لطفاً لوازم مورد نیاز را بخرید.
۲. لطفاً دستور دهید لوازم مورد نیاز خریداری شود.

۱. شاعر خارجی: «دو کلمه به خوبی یک کلمه نیست.»

۲. حدیث: «مستمع بیشتر از گوینده خسته می شود.»

## جمع‌بندی

یکی از تفاوت‌های نگارش و نویسندگی این است که برای نگارش اصلاً نیازی به ذوق و استعداد نیست، بلکه مجموعه‌ای از قواعد وجود دارد که در صورت یادگیری و کاربست این قواعد می‌توان بهترین مقاله یا کتاب و ... را نوشت. در نویسندگی زبان، هنری و هدف، زیبایی‌آفرینی است بر خلاف نگارش که زبان عادی و هدف پیام‌رسانی است. در ادامه تعریف دیگری از نویسندگی ذکر شد که عبارت است از «پیامی گیرا با بیانی شیوا» سپس چهار عامل از عوامل گیرایی پیام و چهار عامل از عوامل شیوایی بیان طرح شد. به قول اقبال لاهوری:

گمان مبر که به پایان رسید، کار مغان  
ای غایت عقل و عشق، در گفت و شنفت  
هزار باده ناخورده در رگ تاک است.  
در ختم سخن حمد تو می‌باید گفت.